«لیس بجنس فتعادله الأجناس ...»

به این فقره از خطبه‌ی شریفه رسیدیم:

> **«لیس بجنس فتعادله الأجناس ، و لا بشبح فتضارعه الأشباح ، و لا كالأشياء فتقع عليه الصفات»[1].**

«و لا كالاشیاء»، خیلی نزدیک می‌کند که منظور از «اشیاء»، افراد ناسوتی و خارجی و عالم دنیا است؛ ما می‌گوییم: فرد الطبایع. لذا چون «لا كالاشیاء» نزدیک می‌کند که منظور افراد است، پس منظور از «الاجناس» تجرد بالای این اشیاء است و «شبح»، تجرد برزخی است. این احتمال به خاطر کلمه‌ی «اشیاء»، نزدیک می‌شود. چون اگر «جنس» را به معنای «ما له الجنس» بگیریم، دوباره خودش شیء می شود و تکرار می شود. «لیس بذی جنس»؛ آنچه که جنس دارد، این خودش یک شیء است. «شبح»، شیء می‌شود. خُب، چرا حضرت علیه السلام دنبالش دوباره می‌فرمایند: «و لا كالاشیاء»؟! معلوم می شود که آن «جنس» و آن «شبح»، این احتمال را به صورت کامل القاء می‌کند که چیزی غیر از «الاشیاء» هستند که حضرت علیه السلام در ادامه بیان می‌کنند. این «اشیاء»، یعنی همان فرد خارجی. از آنها به «ابژه» تعبیر می‌کنند. یک «ابژه» می‌شود؛ یعنی چیزی که یک فرد کلی است. اما دستگاه بالاتر افراد که تمام افراد را سامان دهی می کند ...؛ یعنی یک چیزهایی هست که خداوند متعال از طریق آنها امور را جاری می‌کند؛ «أبى اللّه أن يجرى الامور الا باسبابها»[2]؛ آنها را اسباب مراتب خلقت قرار داده است. چه بسا آن قبلی‌ها ناظر به آنها باشد. البته به عنوان احتمال، استظهار و ظهور اقوی عرض کردم.

---

[1]. شیخ صدوق، التوّحید، ج۱، ص ۷۰.

[2]. شیخ کلینی، الکافی،ج ۱، ص ۱۸۳.

بازبینی #2
ایجاد شده 20 سپتامبر 2024 11:50:56 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 فوریه 2025 15:46:58 توسط ... .